

عنوان مقاله:

تبیین و نقد هرمنوتیک اشتراوس در زمینه تفسیر اندیشه های فلسفی اسلامی

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت معاصر، دوره 10، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

آریا یونسی - کارشناسی ارشد فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

حسین کلباسی - عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه

قاسم پورحسن - دانشیار فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

خلاصه مقاله:

لنو اشتراوس با تقلیل ذات جامعه به عقیده و ذات فلسفه به دانش، و رسم تضادی میان عقیده/دانش به این نتیجه رسید که فیلسوفان اغلب مجبور بوده اند به پوشیده نویسی و نوشتن بین سطور روی بیاورند. در نوشته های افلاطون، فارابی، ابن سینا، سهروردی و دیگر فلاسفه بزرگ می توان موبداتی برای لزوم پوشیده نویسی باشد. با این حال، چند نقد بر این نظریه وارد است: نخست، اشتراوس تمامی نظریه خود را بر مبنای تضاد دانش/عقیده استوار می سازد اما اگرچه میان آنها نوعی تضاد برقرار است، چنین نیست که مطلقاً همدیگر را طرد کنند؛ دوم، وجود فلاسفه ای که در فلسفه تقلید می کنند هم کلیت نظریه را نقض می کند و هم تقابل میان دانش/عقیده؛ و سوم، وجود سنت شرح نویسی وسیع در میان فیلسوفان غربی و اسلامی، نیز برخلاف نظریات اشتراوس است؛ چراکه دلیل موجهی وجود ندارد که فیلسوف صاحب نظر دم فروبندد ولی شارح، اندیشه ها را بازگو کند؛ و نیز، چهارم، وجود فلاسفه ای که همعصر و هموطن بوده اند، اما یکی اهل پوشیده نویسی و دیگری اهل صریح نویسی، نظریه هرمنوتیکی اشتراوس را مورد نقد جدی قرار می دهد؛ چراکه نشان می دهد پوشیده نویسی احتمالاً سلیقه شخصی برخی از فلاسفه بوده است. در این مقاله نشان داده شده است که هرمنوتیک اشتراوس در عین نقاط قوتی که دارد، نمی تواند به عنوان نظریه ای کلی و عمومی برای تفسیر فلسفه باستانی و اسلامی کاربرد داشته باشد.

کلمات کلیدی:

علم حضوری، ادراک حسی، تاثر مادی، خطای حسی، واقع گرایی، معرفت شناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2003315>

